

## با جوانانمان درباره شک‌ها و ترس‌هایشان گفتمان کنیم

عباس یزدانی | مددکار

بعدی برعهده دارد. زنان خیلی وقت‌ها امید یک جمع یا یک جامعه هستند و اگر زن در معرض آسیب قرار گیرد، می‌تواند به صراحت گفت که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تمام جامعه درگیر آسیب هستند! آمارهایی که در زمینه کشف موادمخدر یا مشروبات الکلی منتشر می‌شوند، این سوال را در ذهن تداعی می‌کنند که آیا جرات‌مان در بیان اعداد و ارقام کشفیات زیاد شده یا کشفیات افزایش یافته‌اند؟ آمارهایی که هر یک با ارقام و اعداد گاه‌گاه سرسام‌آور نوعی نگرانی را به وجود می‌آورند. اما در زمینه گرایش زنان به موادمخدر باید بگوییم که برخلاف برخی نظریات من معتمد که آمار به صورت واقعی اضافه می‌شوند. سخت نیست، دیدن تغییر باورهایی که در ذهن و الگوهای رفتاری زنان سنتی دیده می‌شد، باوری که امروزه رنگ باخته و ما مصرف موادمخدر را در میان بانوان جوان می‌بینیم! بنابراین افزایش آمار اعتیاد زنان واقعی است اما نکته اصلی این است که باید کمی با احتیاط به این اعداد ارقام نگاه کرد. من به‌شخصه در حوزه پرمخاطره و به نوعی تابویی مثل اعتیاد همیشه به آمارها به دیده تردید نگاه می‌کنم، نه به این دلیل که دستگاه‌های تولید آمار سوسویتی دارند تنها به این سبب که به دست آوردن آمارهای دقیق در این باب کمی سخت است. یکی از واقعیت‌هایی که امروز نمی‌توان آن را کتمان کرد این است که امروزه اعتیاد زنان مشکل یک قشر یا منطقه جغرافیایی یا یک طبقه نیست و متأسفانه این پدیده را نیز مانند مصرف قلیان و سیگار در بخش‌های مختلف میان زنان جامعه می‌توان دید.

در برهه‌ای از تاریخ شاید بانوان در دوران کهنسالی و در روستاها مصرف مواد را آن هم برای تسکین درد مشروع می‌دانستند ولی متأسفانه امروز مصرف مواد در میان بانوان از آن حالت ناهنجاری خارج شده همانند خیلی از مسائل؛ دوره‌ای حجاب به‌عنوان یکی از ارزش غیرقابل تردید در جامعه شناخته می‌شد اما امروزه شاهدیم که از گوشه و کنار تردیدهایی به آن وارد می‌شود؛ تردیدهایی که رنگ خطر برای حفظ وضع اجتماعی موجودمان هستند! همه این دلایل و شرایط می‌توانند هشدار باشند برای این که نگاهمان را به پدیده‌های اجتماعی تغییر بدینسان، البته با توجه به اخبار ۶-۷ ماه اخیر در زمینه آسیب‌های اجتماعی و تأکید مسئولان به این پدیده می‌توان اذعان کرد که به‌سختی این تغییر نگاه به وجود آمده است. واقعیت غیرقابل کتمان این است که آدم امروزی را نمی‌توان بدون این که به لحاظ فلسفی قانع کرد، به کاری واداشت. این واقعیت در مورد جوانان به‌خصوص بیشتر صدق می‌کند برای همین وظیفه داریم نسل جدید را نسبت به باورها و بایده‌های و ناپایدهای جامعه آگاه کنیم، البته با دلایل قانع‌کننده. یکی از راه‌های مؤثر در این مسیر گفت‌وگو است. در گفت‌وگوها می‌توان به شک‌ها و تردیدهایی این نسل پاسخ داد. درواقع اگر این گفت‌وگو صورت بگیرد، اعتیاد یکی از آسیب‌هایی است که با آن روبرو می‌شویم. جامعه نسبت به اعتیاد حساس شده و برای همین است که این معضل دیده می‌شود اما آسیب‌هایی هستند که امروز روز ما آنها را نمی‌بینیم و متأسفانه درحال گسترش هستند و اگر بخواهیم روش انکار را در پیش بگیریم و به دلایل مختلف مانع آگاهی‌سازی شویم، در آینده نزدیک، رشته کار از دستمان خارج می‌شود. به نظر من باید فضای جامعه را از این حیث بازتر کنیم. اعتیاد قابل درمان است اما برخی آسیب‌ها اگر سرپاژ کنند، به آسانی نمی‌شود آنها را کنترل یا ریشه‌کن کرد.



مصرف بی‌رویه هر چیزی عادت را در پی دارد. عادت‌هایی که می‌توانند خواندن کتاب یا ورزش صبحگاهی باشد یا مصرف موادمخدر! هر کدام از این عادت‌ها پیامدهای مثبت و منفی دارد که فرد معتاد را درگیر خود می‌کند. موادمخدر توسط هر سن و جنسی مصرف شود، بی‌شک مضراتش را شامل حال فرد می‌کند، اما برخی از وجوه اعتیاد رابطه مستقیمی با بعضی از ویژگی‌های اقشار خاص دارد. اعتیاد یک کودک، نوجوان، جوان، سالمند یا یک زن یا مرد از برخی جهات با هم متفاوت است. به این معنا که بسوی برخی ویژگی‌های فردی و اجتماعی هر یک از این افراد تأثیر کمتر یا بیشتری داشته باشد. اعتیاد در میان زنان ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که در گروه‌ها یا اقشار دیگر کمتر می‌توان یافت و آثار آن را دید. زن در جامعه نقش‌های مختلفی را برعهده دارد؛ زن به‌عنوان مادر، کسی است که تربیت نسل‌های دست به گریبان است ناچار عوارض آن را نیز با خود همراه کرده و طبیعتاً انرژی و توانی را که باید خرج خانواده و فرزندانش کند را ندارد؛ مادر منبع عاطفی خانواده است، مرجع اتصال اعضای خانواده، الگویی تربیتی برای نسل بعد و برای همین هر گونه تغییر الگوهای رفتاری او می‌تواند تأثیر بسزایی در نسل بعد داشته باشد. زن، عنصر عاطفی جامعه است و وجود زن در جامعه جدا از بسیاری از مسائل باعث ایجاد تعادل اجتماعی و روانی می‌شود. به‌عنوان مثال در سازمانی که فقط مردان حضور دارند یا در شهرهایی که افراد مذکر جمعیتش را تشکیل می‌دهند - چنین شهرهایی را داریم - کاملاً برهم‌خوردگی رفتاری، روانی، عاطفی و اجتماعی مشهود است. زنان به‌عنوان مرجع ایجاد تعادل مدنظر هستند و زن معتاد نمی‌تواند انتظارات جامعه و خانوادها را از این حیث برآورده کند. این خود یکی از عوارضی است که به‌عنوان سهم ۵۰ درصدی جامعه آسیب می‌رساند. یکی از ویژگی‌های زنان که همیشه در طول تاریخ مشهود بود، این است که آنها همیشه منبع نوعی امنیت بوده و هستند. به این معنا که در مکان‌هایی که زنان حضور دارند، افرادی که به هر نحوی می‌خواهند، جلائی مرتکب بشوند، ارزش حضور زن باعث می‌شود حریم‌ها رعایت شود و هنجارهای موردقبول جامعه بیشتر مدنظر قرار گیرد. تک‌تک ما این نوع از حفظ حریم را تجربه کرده‌ایم. نمونه بارز آن پارک‌هایی است که خانواده در آنها حضور دارد؛ ما همیشه احساس امنیت بیشتری داشته‌ایم. برای همین زمانی که زنان وارد فضاهای آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد می‌شوند، بخش وسیعی از این حس امنیت از بین می‌رود. اعتیاد زنان همیشه زنگ خطر جدی برای جوامع بوده است، چون زنان آسیب‌پذیر هستند. در مباحث اجتماعی زنان همیشه در گروه‌های آسیب‌پذیر یا در معرض آسیب دسته‌بندی می‌شوند، البته این دسته‌بندی دلایل مختلفی دارد؛ یکی از دلایل مشهود و قابل لمس جامعه نسبتاً مردسالار ایران است؛ جامعه‌ای که خیلی وقت‌ها حمایت‌هایی از زنان نداشته است، چه از بعدهای دیگر سمن‌ها نیز در این زمینه بسیار تأثیرگذار می‌توانند باشند. لازم است گروه‌های محله‌ای شکل بگیرد و زنان در آنها حضور یابند و زنان معتاد را در محلات مختلف شناسایی و تلاش کنند با هم‌دلی و مشارکت به حل مسائل زنان معتاد کمک کنند.



# هزار توی اعتیاد زنان

آمار فزاینده زنان معتاد  
چه تأثیر بلندمدتی در جامعه خواهد داشت؟

که لازم است در این زمینه پژوهش بیشتری انجام شود. این که اعتیاد زنان چه پیامدهای فردی و اجتماعی در پی دارد، سوال این شماره است. زن معتاد ممکن است دچار مشکلات روحی و روانی، بیماری‌های جسمی از جمله جنسی و افسردگی شود و حتی خودکشی کند. زن معتاد نمی‌تواند به‌درستی نقش مادری خود را ایفا کند، در نتیجه خانواده فروری‌پاشد و نسل معتاد پرورش می‌یابد.

درون خانواده‌ای، می‌تواند علل اجتماعی داشته باشد؛ فقر و رفاه بیش از حد در این زمینه مهم است. برخی مواقع دسترسی نداشتن به امکانات مالی و معیشتی ممکن است موجب ایجاد احساس محرومیت و گرایش به اعتیاد شود؛ از نسوی دیگر برخورداری از امکانات مالی فراوان هم امکان زن را در معرض اعتیاد به مصرف موادمخدر قرار دهد. برخی معتقدند پراکندگی آمار اعتیاد در طبقات مختلف جامعه در حال تغییر است

و درصد اعتیاد زنان از ۵/۳ به ۹/۸ افزایش یافته است. خانواده و اجتماع رابطه دوسویه دارند، یعنی ممکن است زنان هم در خانواده به اعتیاد سوق پیدا کنند و هم در جامعه؛ به همین علت در واقع مشکلات و آسیب‌های اجتماعی هم در خانواده و هم در اجتماع افزایش یافته است. این آسیب دلایل مختلفی دارد؛ مثل درگیری و ستیز زن و شوهر، نارضایتی از زندگی زناشویی یا از هم‌گسیختگی خانواده. اعتیاد زنان علاوه بر علل

**شهروند** | امروز اعتیاد به مواد مخدر یکی از معضلات اصلی جامعه جهانی است. آمار مصرف مواد مخدر در جهان از جمله ایران رو به افزایش است. اعتیاد در میان انواع ناهنجاری‌هایی که در حال حاضر جامعه ایران را تهدید می‌کند، بیشترین آسیب را در پی دارد. این در حالی است که تابوی اعتیاد زنان در جامعه شکسته شده است. آمار می‌گوید مصرف مواد مخدر در میان زنان نسبت به سال‌های گذشته دو برابر شده

## تأثیر اجتماعی آسیب‌ها در زنان غیر قابل برگشت است

زمینه‌ساز اعتیاد محسوب می‌شود. سیگار به‌عنوان تنها ماده تخدیرکننده برای همه افراد جامعه قابل دسترسی است و متأسفانه قبح اجتماعی مصرف آن شکسته است. ۹۵ درصد از معتادان قبل از ابتلا به اعتیاد سیگار می‌کشیدند. براساس آمار ۳۰ درصد از افراد ۱۰ تا ۱۹ ساله مصرف سیگار را تجربه کرده‌اند. حدود ۴۳ درصد زنان ایرانی سیگار می‌کشند. بیشتر آنان تحصیلمکده هستند. ۵۰ درصد از دختران دانشجوی سیگاری هستند. در حالی که امروز دلیل گرایش زن و مرد در جامعه به اعتیاد تقریباً متساوی است، اما تأثیری که یک زن معتاد بر خانواده، جامعه و نسل آینده خود می‌گذارد، به مراتب بدتر و جبران‌ناپذیرتر است. متأسفانه تأثیر اجتماعی آسیب‌ها در زنان غیرقابل برگشت است؛ گرچه برای مردان هم شاید نسبتاً جبران‌ناپذیر باشد اما چون زن وظیفه مادری و پرورش فرزندان را برعهده دارد، صدمات اجتماعی اعتیاد در بلندمدت بیشتر است. به همین دلیل در این شرایط که گرایش زنان به اعتیاد دو برابر شده، یک عزم جدی برای جلوگیری از آسیب‌های بلندمدت اجتماعی نیاز است. نیاز است سازمان‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی به کمک زنان معتاد بشتابند. سمن‌ها نیز در این زمینه بسیار تأثیرگذار می‌توانند باشند. لازم است گروه‌های محله‌ای شکل بگیرد و زنان در آنها حضور یابند و زنان معتاد را در محلات مختلف شناسایی و تلاش کنند با هم‌دلی و مشارکت به حل مسائل زنان معتاد کمک کنند.

می‌شود و چون زنان معتاد از خانواده طرد می‌شوند، نقش رسانه‌ها در پیشگیری از افزایش اعتیاد زنان حایز اهمیت است. رسانه‌ها در این زمینه نقش مهمی می‌توانند ایفا کنند. آنان باید به پیشگیری و درمان توجه کنند. تقویت باورها و ارزش‌های دینی و اخلاقی، ترویج شیوه‌های انتخاب همسر مناسب، جلوگیری از شرکت دختران در مهمانی‌های شبانه و تشویق دوستی آنان با انسان‌های صالح از دیگر راهکارهای پیشگیری از اعتیاد است. البته در گذشته هم شاید به همین اندازه گرایش به دخانیات در میان زنان جامعه وجود داشته اما این گرایش و استعمال در خفا بوده است. یعنی زنان ایرانی خجالت می‌کشیدند در حوزه‌های عمومی سیگار بکشند؛ این مسأله یک تابو بود. این در حالی است که امروز حتی طوری شده که سیگار کشیدن عاملی برای تشخیص و فخروروشی برای زنان محسوب می‌شود. در خیابان‌ها می‌بینیم که زنان پشت فرمان هستند، دستشان را از پنجره خودرو بیرون می‌آورند تا همه سیگارشان را ببینند. این یعنی یک نوع ظاهر و فخروروشی؛ این فرهنگ متأسفانه در میان قشری از دختران جوان ما رواج پیدا کرده است. دسته‌ای از دختران می‌خواهند کارهایی که پسران انجام می‌دهند را تقلید کنند، برای این که نشان دهند ما هم می‌توانیم کارهایی که شما آزادانه در جامعه انجام می‌دهید را انجام دهیم. به گمان آنها استعمال سیگار اعتیادآور نیست، این در حالی است که سیگار

در این موضوع بسیار مؤثر است. اعتیاد همان طور که می‌دانید سه ویژگی دارد. معتاد احساس نیاز شدید به ادامه مصرف مواد دارد و تلاشی می‌کند از هر طریقی آن را تهیه کند، علاوه بر آن علاقمند به افزایش مداوم مصرف مواد است و وابستگی روانی و جسمانی به آثار مواد دارد. زنان شخصیتی دارند که زمینه استقبال از اعتیاد و مصرف مواد سنتی و صنعتی را دارند. بنابراین عوامل اجتماعی روی آوردن به اعتیاد در زنان و مردان در حال حاضر مثل گذشته تفاوت‌های چندانی ندارد و تقریباً می‌توان گفت بیش از ۵۰ درصد آن اختیاری است و همان عواملی که در مورد مردان است، در مورد زنان هم صدق می‌کند. به بیان دیگر امروز تابوی اعتیاد زنان در جامعه شکسته شده؛ خانواده و اجتماع رابطه دوسویه دارند، یعنی ممکن است هم زنان در خانواده به سوی اعتیاد سوق پیدا کنند و هم در جامعه و به همین علت در واقع مشکلات و آسیب‌های اجتماعی هم در خانواده و هم در اجتماع افزایش یافته است. درباره پیامدهای اعتیاد زنان می‌توان گفت این معضل می‌تواند پیامد فردی داشته باشد. زن معتاد ممکن است دچار مشکلات روحی و روانی و بیماری‌های جسمی از جمله جنسی شود. علاوه بر آن به افسردگی مبتلا شود و حتی خودکشی کند. از نسوی دیگر زن معتاد نمی‌تواند به درستی نقش مادری خود را ایفا کند. در نتیجه خانواده فروری‌پاشد و نسل معتاد پرورش داده می‌شود. اعتیاد آنان موجب کاهش فرصت ازدواج دختران معتاد



افسر افشار نادری  
جامعه‌شناس

امروز اعتیاد به مواد مخدر یکی از معضلات اصلی جامعه جهانی است. این آمار در جهان از جمله ایران رو به افزایش است. اعتیاد در میان انواع ناهنجاری‌هایی که در حال حاضر جامعه ایران را تهدید می‌کند، بیشترین آسیب را می‌رساند. در گذشته بیشترین علل گرایش زنان به اعتیاد، از طرف پدر، برادر و همسرانشان بود که به اجبار زنان را وادار می‌کردند به اعتیاد روی بیاورند که آن هم دلایل خود را داشت. ولی چیزی که امروز دیده می‌شود این است که دختران و زنان کمتر زیر بار اجبار و زور همسر یا پدرشان قرار می‌گیرند؛ در واقع می‌توان گفت اعتیاد زنان امروز انتخابی است. البته ممکن است درصدی در نقاط مختلف متفاوت باشند و به اجبار به این راه کشیده شده باشند. اما تقریباً می‌توان گفت به همان اندازه که اعتیاد مردان بر اثر کنترل کم یا کنترل زیاد اجتماعی رخ می‌دهد، یعنی عدم توجه یا توجه زیاد روی می‌دهد؛ اعتیاد زنان هم امروز بر همین دلایل استوار است.

همچنین قرار داشتن در یک محیط اجتماعی نامناسب که محیطی با شرایط آسیب‌زاست و این ناهنجاری‌ها به‌غفور و در رواج دارد؛ از دلایل روی آوردن به اعتیاد است. داشتن معتاد خانواده و جمع‌های دوست‌تانی که زنان را به اعتیاد تشویق می‌کند، نیز

## برای نجات جامعه، زنان را دریابیم!

که به او آموخته تا رنج را تاب بیاورد و دم نزنند و این چنین شاید روزی تمام دردها و رنج‌هایش را در زوروقی می‌ریزد و می‌سوزاند تا به پایان نزدیک‌تر شود. درواقع زنانی را که امروز ما آنها را معتاد می‌نامیم، دخترانی بودند که اگر صدایشان شنیده می‌شد و خواسته‌هایشان دیده، امروز مرهمی بودند بر درد همسران، پدران و فرزندان‌شان. البته نباید تمام گناهان را به پای گذشته، گذاشت و از حال غافل شد. حال که جامعه در تب‌وتاب گذر از سنت به مدرنیته دست‌وپا می‌زند. جامعه‌ای که اکثر خانواده‌های سنتی هستند اما بیرون از خانواده‌ها اسباب مدرن شدن به معنای اشتباه آن مهیاست! مدرن شدنی که جوانانش چه پسر و چه دختر برای رسیدنش مسابقه گذاشته‌اند تا مبادا مهر سنتی بودن یا به عبارت نسل جوان عقب‌ماندگی به پیشانی‌شان بخورد. مدرنی که اشتباه معنا شده و به جای مطالعه و پیشرفت در تکنولوژی و به‌روزشدن در علم، رنگ مهمانی‌های شبانه، دیده شدن، داشتن اندام متناسب و فیکورهایی که با آتش زدن یک نخ سیگار شروع می‌شود، تعریف شده است. زنانی که از نسر خوشی یا برای همرنگ شدن با دیگران راه به میهنی‌های و جمع‌هایی نامتعارف پیدا می‌کنند و به‌زعم خود به‌روز می‌شوند تا روزبه‌روز جوانی و عمر خود را تباه کنند. درحال حاضر این واقعیت وجود دارد، واقعیتی که قابل انکار نیست و شواهد آن

کم و بیش پیداست. واقعیتی که زنانی را به رخ تک‌تک ما می‌کشد که هر کدامان به نوبه خود سهمی در وضع آنان داریم؛ گروهی در گذشته‌شان، عدای در امروز‌شان و تعدادی در ساختن آینده‌شان. زنانی که یا قربانی گذشته، از دواج اشتباه، افسردگی، ضعف‌های فردی و اجتماعی یا... شده‌اند یا شاید کمی‌دها و نداشته‌هایشان را به جای این که در درون خود بیابند در میهنی‌های و در کنار دوستان ناهل جست‌وجو کرده‌اند. اما مسأله اصلی این است که چه باید کرد؟ آیا باز باید همانند گذشته چشم برهم بگذاریم و از آن دم نزنیم تا روزی برسند که این معضل به فاجعه‌ای بزرگ بدل شود؟ آیا نباید فکری به حال ریشه‌های این معضل کرد؟ ریشه‌ای که به خانواده و عدم آموزش و ناآگاهی آن برمی‌گردد و باید دلایل بعدی آن را در مدرسه و جامعه جست‌وجو کرد. آیا نباید به فکر زنان بود، زنانی که نسل بعد در دامن آنها پرورش می‌یابد و یکی از پایه‌های اصلی خانواده است؟ خانواده‌ای که در مجموع جامعه را می‌سازد. این سوالات از همه اقشار است و بیشتر از همه باید مسئولان امر پاسخگو باشند که قرار است برای زن ایرانی چه برنامه و راهکاری داشته باشند تا او عزت از دست رفته و اعتماد به‌نفس نداشته‌اش را در موادمخدر جست‌وجو نکند، این که قرار است برای نجات زنانی که در دام اعتیاد افتاده‌اند، چه راهکاری را در پیش بگیرد.

**لیلا مهداد** | هر پدیده اجتماعی زاینده جامعه است و نمی‌توان به بررسی فردی و تک‌به‌تک افراد بسنده کرد. امروزه در جامعه ایران، اعتیاد زنان نیز به‌سایر آسیب‌های اجتماعی اضافه شده است؛ معضلی که تابوی خود را شکسته و اعداد و ارقامی که در قالب آمار آریه می‌شوند، حکایت از افزایش آن دارند. مسأله اعتیاد زنان، معضلی است که چه به صورت آشکار و چه پنهان مورد بررسی قرار گرفته است و شاید در این میان کمتر کسی به این مسأله اندیشیده باشد که چرا زنان آگاهانه یا ناآگاهانه به این معضل ورود می‌کنند. زنان ایرانی که تا دهه‌های اخیر چارچوب‌ها و خط‌قرمزهای خود را مصرانه رعایت می‌کردند؛ کم‌تأمل شاید حاکی از این باشد که معضل امروز روز زنان ایران ریشه در کوتاهی و غفلت ما در گذشته دارد؛ گذشته‌ای که او را جنس ضعیف می‌نامید و امروز طغیان کرده و از او زنی مسلحانه تا به اشتباه و ناآبودی خود اثبات کند، او نیز مانند مردان به سادگی می‌تواند پایدها و نیایدها را زیر پا بگذارد و با شکستن بعضی مرزها سر از اعتیاد و مضرات بعد از آن درآورد، گذشته‌ای که در آن ازدواج او را تصمیم پدیری رقم می‌زد که یا از سرفق و نداری یا ناآگاهی تن به آن می‌داد؛ ازدواجی تهی از عشق و علاقه که جز افسردگی و سرخوردگی برایش چیزی نداشته است. گذشته‌ای که تنها برایش معنای محدودیت داشته است. گذشته‌ای